

بررسی تطبیقی نظام عروضی در زبان‌های فارسی و انگلیسی

میثم ابراهیمی^۱ (نویسنده مسئول)؛ حسن دلبری^۲؛ مرضیه رحمتی^۳

چکیده

در نظام شناختی یک شعر، برخی ویژگی‌ها مبتنی بر جوهره شعر است؛ مثل عنصر کلیدی عاطفه و برخی مربوط به دانش شعر مثل وزن، آهنگ، قافیه و صورخیال که هر یک از این ویژگی‌ها به نوعی باعث شناخت هویت شعر می‌شوند. علم عروض یکی از دانش‌های ادبی است که درباره چگونگی ایجاد وزن و انواع آن و نیز شگردهای ویژه آهنگ شعر سخن می‌گوید. بدنه اصلی این پژوهش را توصیف نظام عروضی در زبان‌های فارسی و انگلیسی تشکیل می‌دهد که در آن به روش کتاب‌خانه‌ای و مطالعه موردی و براساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی به بررسی مقایسه‌ای علم عروض در زبان‌های فارسی و انگلیسی پرداخته شده است و در پایان این نتیجه حاصل می‌شود که این دو زبان در برخی تعاریف اصطلاحی مانند وزن، عروض و تقطیع مشابه یکدیگرند و برخی از اختیارات شاعری در عروض دو زبان را با وجود نام‌گذاری‌های متفاوت می‌توان معادل یکدیگر قرار داد؛ اما از وجوه تمایز آن‌ها باید به توجه منظم و دقیق مبحث عروض در فارسی و آشفتگی آن در انگلیسی، نوع وزن شعر در دو زبان (فارسی کمی امتدادی و انگلیسی ضربی امتدادی)، وجود سه هجای کوتاه، بلند و کشیده در فارسی و دو هجای تکیه‌دار و بی‌تکیه در انگلیسی به خصوص تفاوت در الگوی مصور این هجاها، تعداد وزن‌های انشعابی و خوش‌آهنگ‌تر بودن اوزان فارسی نسبت به اوزان انگلیسی اشاره کرد.

واژگان کلیدی: وزن، نظام عروضی، نقد تطبیقی، زبان‌های فارسی و انگلیسی.

^۱دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران.

Meysam@ebrahimi@gmail.com

^۲دانشیار زبان و ادبیات فارسی، ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران. H.delbari@hsu.ac.ir

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران. Rahmati22.m@gmail.com

۱. مقدمه

شعر چیست؟ این سؤالی است که با توجه به ماهیت انتزاعی شعر، هنوز نتوانسته‌اند پاسخی جامع و مانع به آن بدهند و واقعیت هم همین است که چنین مقوله‌ای قابل تعریف نباشد؛ زیرا تعریف جامع و مانع در مواردی صدق می‌کند که مبتنی بر علوم تجربی و قابل سنجش و اندازه‌گیری با ابزارهای علمی باشد. تعاریفی که برای شعر ارائه شده‌است بعضاً خود، به شعری می‌ماند که فقط احساس می‌تواند آن را قبول کند. صرف نظر از این تفاوت عمده شعر و نظم و تنها براساس صورت گزاره‌های کلامی «شعر مجموعه‌هایی از کلمات است که با نظم و ترتیب خاصی [موزون] در پی یکدیگر قرار گرفته باشند» (ناتل خانلری، ۱۳۶۷: ۲۷). هر شعر از تعدادی بیت تشکیل شده است و هر بیت «حداقل کلام منظوم است که از دو مصراع پدید آمده است و مصراع‌ها در شماره حرکت و سکون برابرند. مصراع را به تخفیف مصرع گویند که نیمی از یک بیت است» (شاه‌حسینی، ۱۳۶۸: ۲۸).

آنچه به اختصار آمد و در متون مختلف فارسی فراوان از این نوع تعاریف دیده می‌شود، نه تعریفی که توصیفی از صورت شعر است و البته هر نظمی را دربرمی‌گیرد. با وجود این که هنوز هم بسیاری بر این باور هستند که شعر فارسی بدون وزن و قافیه نمی‌تواند به درستی محقق شود؛ اما از قدیمی‌ترین تعاریف تا امروزی‌ترین آن‌ها، عاطفه و خیال‌انگیزی، عناصر عمده و زیربنایی شعر محسوب می‌شوند و هنوز هم میان منتقدان، بحث‌های ریشه‌دار و درازدانی برای پذیرش وزن و قافیه به عنوان عناصر اصلی شعر در جریان است. در زیر به تعدادی از تعاریف ارائه شده برای شعر هم از متقدمان هم از متأخران ایرانی و غیرایرانی اشاره می‌شود:

۱. شعر کلام خیال‌انگیز است (منطقیان). ۲. شعر کلام موزون قافیه‌دار است (عروضیان). ۳. شعر محصول بی‌تابی آدم است در لحظاتی که شعور نبوت بر او پرتو انداخته‌است (مهدی اخوان ثالث). ۴. شعر گره‌خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است (محمدرضا شفیعی‌کدکنی). ۵. شعر یک قدرت است، یک قدرت حسی و ادراکی که توسط آن، معانی و صور گوناگون در بروز خود قوت پیدا می‌کند (نیما یوشیج). ۶. شعر، موسیقی روح‌های بزرگ و حساس است. ۷. شعر، یک

نقاشی است که زبان گویا دارد و یک زبان است که نقش می‌نگارد (مار مونتل). ۸. شعر، گزارشی از زیباترین و سعادت‌آمیزترین لحظات سعادت‌مندترین ذهن‌ها است (شلی). ۹. شعر، سیلان خودبه‌خود احساسات و بیان خیال‌انگیز آن است که بیشتر صورتی آهنگین دارد (ورد زورث). ۱۰. شعر، ترکیبی است از عواطف و احساسات و تخیلات و تصویرهای ذهنی با کلمات و اوزان (پل والر). (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۸۶: ۳۹ و ۴۰ با تلخیص و تصرف).

از مجموع این تعاریف و بسیاری از تعاریف دیگر چنین برمی‌آید که در کنار احساس و عاطفه، عنصر موسیقی نیز در تأثیرگذاری شعر بسیار کارآمد است؛ اما خود موسیقی نیز تعاریف گسترده‌ای دارد که می‌تواند دایره شمول آن را وسیع‌تر کند. در سویه دیگر زبانی این مقاله یعنی شعر انگلیسی با وجود اصالت تکیه در شکل‌گیری شعر، تعاریف و توصیفات متفاوت می‌شود:

در تمام جملات انگلیسی نوعی ضرب‌آهنگ (Rhythm) حس می‌شود، و آن عبارت از یک الگوی آشکار و متغیر در ضربات تکیه‌ها (Stresses) یا ضرب‌های (Accents) جریان آواهای زبان است (در نتیجه هر قدر تکیه‌ها و ضرب‌ها محکم‌تر ادا شود، هجاها بلندتر خواهند بود). در وزن، این ضرب‌آهنگ از تکرار اجزاء منظمی شکل می‌گیرد که الگوی تکیه‌ای متقارن دارند. نوشتارهایی که در قالب وزن (یعنی به عبارتی، به صورت موزون) تألیف می‌شوند، نظم (Verse) نامیده می‌شوند. در حین خواندن شعر توجه ما به یک مصراع (Line) واحد معطوف می‌گردد. مصراع عبارت است از زنجیره‌ای از کلماتی که به مثابه یک موجودیت مستقل بر روی کاغذ حک شده‌اند. وزن بر مبنای تکیه‌های قوی و ضعیف (Unstressed) هجاهای کلمات هر مصراع تعیین می‌شود؛ غالباً هجای قوی‌تر، «تکیه‌بر» و هجای ضعیف‌تر، «بی‌تکیه» نامیده می‌شود (ایرمرز و چفری گالت، ۱۳۹۴: ۲۴۳).

با توجه به آنچه گفته شد وزن، نظم و ترتیب و تناسبی خاص در اصوات شعر است که در شعر اقوام مختلف گونه‌های مختلفی دارد و نمایان‌گر نوعی خاص از آهنگ و موسیقی است؛ بنابراین باید گفت وزن اشعار در زبان‌های مختلف یکسان نیست، به

زبانی دیگر وزن در اشعار ملل مختلف وجود دارد؛ اما بر مبنای نظام و مختصات آوایی حاکم بر هر زبان گونه‌های مختلفی از وزن در هر زبانی به کار می‌رود. مبنای وزن در زبان فارسی و انگلیسی نیز از این قاعده خارج نیست. در این پژوهش برآنیم تا براساس چارچوب‌های مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی به بررسی نظام عروضی در دو زبان فارسی و انگلیسی پردازیم و همچنین با توجه به نگرش حاکم بر علم عروض در این دو دیدگاه، همانندی‌ها و ناهمانندی‌های نظام عروضی زبان انگلیسی را با زبان فارسی نشان دهیم.

۱-۱. پیشینه پژوهش

نویسندگان بسیاری به مبحث وزن توجه کرده‌اند؛ اما تعداد اندکی از آن‌ها به بررسی وزن در زبان فارسی و زبان‌های اروپایی و به‌ویژه انگلیسی روی آورده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب تئوری ادبیات (به زبان روسی) نوشته جان‌الله کریمی مطهر (۱۳۸۶) که نویسنده در آن عروض روسی و اوزان گوناگونش را توضیح داده است، اشاره کرد. از جمله مقالاتی که در آن به بررسی تطبیقی عروض فارسی با دیگر زبان‌ها پرداخته شده، می‌توان به مقاله «واحد وزن در شعر عربی و فارسی» نوشته علی اصغر قهرمانی مقبل (۱۳۹۰) که در این مقاله نویسنده به بررسی تفاوت‌های واحد وزن در فارسی و عربی پرداخته است؛ مقاله «بررسی و تحقیق در زحاف خبب از بحر متدارک و کاربرد آن در شعر فارسی» نوشته اسماعیل قافله‌باشی (۱۳۹۰) که در آن نویسنده به بررسی مقایسه‌ای زحاف خبب در در بحر متدارک در دو زبان فارسی و عربی پرداخته است، مقاله «بررسی وزن اشعار عامیانه فارسی براساس نظریه وزنی» نوشته لیلا ضیامحمدی و امید طیب‌زاده (۱۳۹۰)، مقاله «بررسی و توصیف نظام عروضی در زبان‌های روسی و فارسی» نوشته زینب صادقی سهل‌آباد و ملیحه جزسیدمحمدکریم (۱۳۹۴) که نویسندگان در این مقالات به بررسی ساختار و توصیف نظام عروضی در زبان‌های فارسی و انگلیسی پرداخته‌اند و مقالاتی دیگر اشاره نمود.

در این میان پایان‌نامه‌ای با عنوان «بلاغت تطبیقی در حوزه فارسی و انگلیسی» نوشته عزت‌الله سپه‌وند (۱۳۹۱)، از نظر پرداختن به بلاغت وزن شباهت بیشتری به پژوهش پیش

رو دارد که البته موضوع اصلی یاد شده، با جستار حاضر متفاوت است؛ بنابراین باید مقاله پیش رو را مقاله‌ای نوپژوهش دانست که می‌تواند نکاتی درخور بحث را ارائه دهد.

۲-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه که علم عروض فرآیندی تأثیرگذار بر مخاطب است؛ بنابراین، با تطبیق نکات عروضی در زبان‌های فارسی و انگلیسی می‌توان به شناخت و رموز موسیقایی سخن و زیبایی‌های اشعار ملل مختلف پی برد. از سویی دیگر، درک وزن شعر زبان‌های بیگانه کار دشواری نیست و با تمرین و تکرار و خوب شنیدن می‌توان آن را درک کرد. آشنایی با علم عروض و شناخت وزن زبان‌های دیگر به فهم دقیق‌تر آن زبان کمک کرده و باعث می‌شود ترجمه دقیق‌تری از شعر شاعران آن زبان ارائه دهیم.

۳-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف در حیطه پژوهش‌های بنیادی می‌باشد و با توجه به این‌که در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و مطالعه موردی (متون فارسی و انگلیسی) استفاده شده است. پژوهش حاضر براساس ماهیت و روش تحلیل داده‌ها، یک پژوهش توصیفی - تحلیلی است. روش استدلالی این پژوهش نیز روش استقرایی (جزء به کل) می‌باشد و از نظرگاه نوع تطبیق این پژوهش بر پایه مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی انجام شده است.

۲. تحلیل داده‌ها: توصیف نظام عروضی در زبان‌های فارسی و انگلیسی

۲-۱. تعریف تطبیقی «وزن و عروض» در زبان‌های فارسی و انگلیسی

ناتل خانلری (۱۳۶۷: ۱۱۱) در تعریف وزن می‌نویسند: «وزن نظم و تناسبی است در اصوات، شعر از کلمات تشکیل می‌شود و کلمه مجموعه‌ای از اصوات است، پس «وزن شعر» حاصل نظم و تناسبی است که در صورت‌های ملفوظ ایجاد شده است». شفیع‌ی کدکنی (۱۳۸۶: ۹) می‌افزاید:

وقتی مجموعه آوایی مورد بحث ما به لحاظ کوتاه و بلندی مصوت‌ها و یا ترکیب صامت‌ها و مصوت‌ها از نظام خاصی برخوردار باشد، نوعی موسیقی به

وجود می‌آید که آن را وزن می‌نامیم و اهل هر زبانی وزن شعر خود را در تناسب های خاص احساس می‌کنند که ممکن است اهل زبان دیگر آن تناسب را احساس نکنند؛ به همین دلیل است که چیزی که برای مردم ایران موزون است [احتمالاً] برای مردم انگلیسی زبان موزون نمی‌نماید و برعکس، وزن می‌تواند دست‌کم به لحاظ تجربی - در هر زبانی صورت‌های گوناگون داشته باشد.

عروض نیز «میزان کلام منظوم است و آن را بدان جهت عروض خوانده‌اند که: «معروض علیه» شعر است؛ یعنی شعر را بر آن عرضه دارند تا موزون از ناموزون شناخته شود» (شاه‌حسینی، ۱۳۶۸: ۲۳)؛ به عبارت دیگر «عروض یکی از اقسام علوم ادبی است که موضوع آن بحث در وزن (آهنگ) شعر است و در مورد چگونگی ایجاد وزن، انواع وزن، صحت و سقم آن و برخی از شگردهایی که مخصوص کلام منظوم است، بحث می‌کند» (شمیسا، ۱۳۶۹: ۱۲-۱۱) و نیز نوشته‌اند: «عروض علم یا فن سنجیدن شعر و کلام منظوم با افعیل عروضی و پیدا کردن اوزان اشعار بر پایه آن افعیل است» (ماهیار، ۱۳۷۳: ۱۳). در منابع انگلیسی نیز با اندک اختلافاتی در نوع بیان، چنین تعاریفی از وزن و عروض ارائه شده است:

درباره ریشه و تعریف اصطلاحی متر (Meter) باید دانست که: «این کلمه از واژه یونانی مترون (Metron) به معنی سنجیدن، خط‌کش مشتق می‌شود. در نقد ادبی، این اصطلاح عموماً برای اشاره به نظامی استفاده می‌شود که وزن و آهنگ اشعار را می‌سنجد» (Barton & Hudson, ۱۹۹۷: ۱۰۱). وزن در انگلیسی عبارت است از «تکرار یک مشخصه چشم‌گیر در چند آوای زبانی پیاپی، که در رکن‌های قاعده‌مند دیده می‌شود» (ایبرمز و چفری گالت، ۱۳۹۴: ۲۴۳)؛ به عبارت دیگر «الگویی از واحدهایی صوتی حساب‌شده است که کم و بیش به‌طور منظم در یک سطر تکرار می‌شود» (Baldick, ۱۵۴: ۲۰۰۱)؛ یا نوشته‌اند: «وزن در شعر، عبارت از تکرار یا بازگشت منظم از یک الگوی صدایی موزون یا آهنگ‌دار است. الگویی که به وسیله یک تعداد خاصی از هجاهای تکیه‌دار یا موزون به همراه تعدادی از هجاهای بی‌تکیه یا غیرموزون ایجاد می‌شود» (Quinn, ۲۰۰۶: ۲۵۹) و در نهایت این‌که «یک لایه افزوده که از آرایش آوایی گروه‌های آهنگین در واحدهای بیت فراهم آمده است. در نثر (موزون) این ریتم به‌طور

متوالی، تا انتها ادامه می‌یابد؛ اما در شعر در واحدهای موزون که به‌طور منظم تکرار شده قطع می‌شود» (Childs & Fowler, ۲۰۰۶: ۱۴۱).

در منابع انگلیسی در تعریف علم عروض (Prosody) می‌نویسند: «عروض به معنی مطالعه نظام‌مند نظم در هنر شاعری است و عبارت از مطالعه اصول و شیوه استفاده از وزن، قافیه (Rhyme) و انواع بند شعر می‌باشد. گاهی اصطلاح «عروض» به گونه‌ای بسط داده می‌شود که مطالعه آواها و صناعاتی از قبیل هم‌حروفی (Alliteration)، هم‌صدایی (Assonance)، خوش‌آوایی (Euphony) و نام‌آوایی (Onomatopoeia) را دربرمی‌گیرد» (ایبرمز و چفری گالت، ۱۳۹۴: ۳۵۵).

بنابراین باید گفت در همه زبان‌ها وزن و آهنگ جزء تفکیک‌ناپذیر شعر است و با هویت شعر پیوند خورده است و زبان‌های فارسی و انگلیسی نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ اگرچه در شعر نو نیمایی فارسی و نظم آزاد یا مثنوی انگلیسی این ویژگی دچار تغییرات و دگرگونی‌های می‌شود.

۲-۲. تاریخچه «عروض» در زبان‌های فارسی و انگلیسی

درباره تاریخچه عروض در زبان فارسی باید دانست که: «مبدع فن عروض را «خلیل بن احمد فراهیدی» (۱۷-۱۰۰ هـ. ق) از دانشمندان سده دوم هجری دانسته و درباره علت و چگونگی ابداع فن عروض توسط او افسانه‌هایی ساخته و پرداخته‌اند» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۸۵). به همین دلیل است که «همه مورخان و علمای لغت که درباره خلیل بن احمد و کیفیت وضع علم عروض گفتگو کرده‌اند، متفق‌اند در این که پیش از او هیچ‌کس در زبان عرب قواعدی برای اوزان شعر نمی‌دانسته و کم‌ترین سابقه‌ای در این باب وجود نداشته است، به این سبب عروض را نوعی از الهام شمرده‌اند» (ناتل خانلری، ۱۳۶۷: ۸۴). با این وجود در این مسئله که یک نفر به تنهایی علمی را کشف یا اختراع کند جای شبهه و تردید بسیار است، اما «در هیچ یک از کتب تاریخ و لغت نیز کسی در ابتکار خلیل شک نکرده است» (ناتل خانلری، ۱۳۶۷: ۸۴). تنها کسی که در اصالت ابتکار خلیل شبهه کرده است، «ابوریحان بیرونی (متوفی ۴۴۰ هـ. ق) است که در کتاب *ماللهند* ضمن مقایسه وزن‌های شعر هندی و عروض عرب به این نکته که خلیل بن احمد، این

اصول را از قواعد شعر هندی گرفته، اشاره کرده است. شباهت‌های بسیاری که بین اصول عروض هندی موسوم به «چَند» و عروض خلیل بن احمد وجود دارد، این نظر را تأیید می‌کند. از آن‌جا که مشابهت علائمی که هندوان به عنوان نشانه‌های عروضی به کار برده‌اند و نیز وجود شباهت در آن‌چه در عروض هندی وسیله سنجش وزن شعر است و در عربی آن‌ها را افاعیل می‌نامند، از طرف دیگر تشابه لفظی بسیاری در اصطلاحات عروض هندی و عربی وجود دارد؛ از جمله مشابهت اصطلاح «سَبدا» با «سَبَب» و «وَرَتا» با «وَتَد» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۸۵). پس از خلیل بن احمد «ابوالحسن سعید بلخی» (۲۱۵ هـ. ق) ملقب به «اخفش اوسط» در گسترش علم عروض نقش داشت. تألیف این فن به فارسی از سده چهارم هجری آغاز شد. از مؤلفان قدیم این فن در فارسی می‌توان «ابوالحسن علی بهرامی سرخسی» (اوایل سده پنجم قمری) و «بزرجمهر قایینی» (سده چهارم و ربع اول سده پنجم قمری) و «ابوسعید احمد منشوری سمرقندی» (سده پنجم قمری) را نام برد (رک: شمیسا، ۱۳۶۹: ۷۵-۷۶). در این میان باید از دو کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم شمس قیس رازی (سده هفتم هجری) و معیارالاشعار خواجه نصیرالدین طوسی (سده هفتم هجری) نام برد که از متقن‌ترین منابع در علم عروض ما هستند. ذکر این نکته نیز لازم است که اگر چه «ایرانیان برای سنجش وزن شعر فارسی، اصول عروض عربی را اقتباس کردند، برحسب نیاز شعر فارسی در آن تغییراتی دادند؛ زیرا نظم و تناسب هجاهای کوتاه و بلند در شعر عربی به صراحت و دقت زبان فارسی نیست و کاربرد قواعد عروض در این دو زبان تفاوت‌های بسیاری دارد؛ با وجود این آن‌چه اقتباس قواعد عروض عربی را برای شعر فارسی توجیه می‌کند، در حقیقت یکسان بودن ساختمان زبان فارسی با زبان سانسکریت (زبان قدیمی متداول در هند که تا اواخر سده نوزدهم رایج بود) است که عروض عربی از آن اخذ شده است. بنابراین تغییر تدریجی وزن هجایی شعر در ایران بعد از اسلام، به وزن عروضی، یعنی پذیرفتن قواعد عروض خلیل بن احمد، بیشتر به علت خویشاوندی دو زبان فارسی و سانسکریت است که هر دو از خانواده زبان‌های «هند و ایرانی» هستند و از ساختمان یکسانی برخوردارند، یعنی کمیت مصوت‌ها در آن ثابت است» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۸۶-۱۸۵). با گذشت زمان و به‌خصوص «در دوران مشروطه که آشنایی‌هایی با شعر اروپایی حاصل شد، بحث‌هایی

هم در زمینه نوکردن عروض در گرفت. کسانی چون عبدالحسین آیتی و یحیی دولت‌آبادی و دیگران کوشش‌هایی در این زمینه کردند که کلاً سطحی بود و هیچ‌کدام موفق به ارائه نظریه بنیادی اصیلی نگشتند. در روزگار ما اشخاص متعددی با شیوه‌های گوناگون به بحث در عروض پرداختند و برخی از آنان موفق به ارائه نظریات تازه‌ای گشتند که مجموعاً به عروض شکل علمی و تازه داد و توانست گوهر ساده و بی‌پیرایه عروض را از میان غبار خروارها نام و اصطلاح بیهوده و توجیهاات غلط بیرون آورد. از میان ایشان مسعود فرزند، پرویز ناتل خانلری و ابوالحسن نجفی را باید نام برد» (شمیسا، ۱۳۶۹: ۷۷).

در تاریخچه شعر انگلیسی می‌توان دوره‌های مختلفی را از حیث وزن شعر و نظام عروضی مشاهده کرد. زبان و شعر انگلیسی در دوره‌های مختلف تحت تأثیر عوامل زبانی و شعری دیگر ملت‌ها بوده است، محققان تاریخ تحول زبان انگلیسی را از آغاز تا به امروز به سه دوره زبان انگلیسی باستان، زبان انگلیسی میانه و زبان انگلیسی معاصر تقسیم کرده‌اند. در سال ۴۵۰ میلادی قبایل ژرمنی انگلوساکسن جزایر بریتانیا را به تصرف درآوردند و چیرگی خود را تا سال ۱۰۶۶ حفظ کردند. این دوره در ادبیات انگلیسی به دوره انگلوساکسن یا عهد کهن معروف است؛ ادبیات انگلیسی باستان قدیمی‌ترین شکل زبان انگلیسی امروز است که در مقایسه با زبان انگلیسی امروزی صرفی بود و بخش بزرگی از واژگان آن ریشه آلمانی داشت. شعر دوره انگلوساکسن معمولاً بی‌قافیه است، اما گاهی برخی مصراع‌های موزون هم در این اشعار دیده می‌شود. در شعر این دوره بند هم وجود ندارد و همچنین به جای قافیه، تجانس آوایی به کار رفته است. وزن شعر این دوره، وزن تجانس آوایی نام دارد که مطابق با این وزن، یک مصراع با وقفه به دو نیم مصراع تقسیم می‌شود؛ برای نمونه برخی از حماسه بیوولف (Beowulf)، مهم‌ترین اثر منظوم زبان انگلیسی باستان در این وزن سروده شده است. زبان انگلیسی دوره میانه که از آن به قرون وسطا یاد می‌شود، در مقایسه با زبان انگلیسی باستان تصریف‌های کمتری دارد. وزن تجانس آوایی در این دوره نیز به حیات خویش ادامه داد. بخشی از اشعار اواخر قرن چهارده مثل پیرز شخم زن (Piers Polwman) ویلیام لانگلند (William Langland) مطابق وزن غالب دوره انگلوساکسون یعنی تجانس

آوایی سروده شده است. پس از آمدن نرم‌های فرانسوی به انگلستان وزن‌های تکیه‌ای - هجایی وارد شعر انگلیسی شد و در ادوار بعد عصر رنسانس، عصر نوکلاسیک (نوقدمایی)، دوره رمانتیک، دوره ویکتوریا و دوره مدرن وزن غالب شعر انگلیسی شد. در کنار این اوزان شعری برخی از شاعران انگلیسی از جمله سر فیلیپ سیدنی (Sir Philip Sidney ۱۵۸۴-۱۵۵۴ م.)، ادmond اسپنسر (Edmund Spenser ۱۵۹۹-۱۵۵۲ م.) و دیگر شاعران عصر الیزابت شعرهایی به اقتضای شعر کلاسیک یونان و لاتین در وزن کمی سروده‌اند. با این حال باید گفت غالب اشعار شعر انگلیسی از جفری چاسر (Geoffrey Chaucer ۱۴۰۰-۱۳۴۳ م.) به بعد وزن تکیه‌ای - هجایی بوده است. (Chaucer, ۲۰۰۱: v. Baldick, ۱۵۵-۱۵۴). سیما داد (۱۳۹۲: ۵۲۴) در زمینه وزن شعر انگلیسی می‌نویسد:

وزن در شعر انگلیسی قدیم و قرون وسطی، وزن شدت تکیه (strong-stress metre) بوده است؛ یعنی در تقطیع فقط فشار قوی به حساب آورده می‌شد. این نوع وزن پس از غلبه نورمن‌ها در سده یازدهم و تحت تأثیر شعر مقفّی و ضربی - هجایی آنان از بین رفت. در وزن فشار تلفظ، هر سطر معمولاً از چهار هجای قوی و تعداد نامعینی هجای ضعیف تشکیل می‌شود. این نوع وزن هنوز هم در اشعار کودکان انگلیسی رواج دارد. علاوه بر این ساموئل تیلور کالریج (Samuel Taylor Coleridge ۱۸۴۴-۱۷۷۲ م.) شاعر رمانتیک نیز بار دیگر آن را به عنوان وزنی مصنوع و ادیبانه در شعر christable احیاء کرد، اما در شعر انگلیسی جدید، وزن شعر از نوع ضربی است. در این نوع وزن، هم هجای محکم و هم هجای ضعیف هر دو در تقطیع به شمارش درمی‌آیند.

۲-۳. انواع هجا در زبان‌های فارسی و انگلیسی

هجا مجموعه گفتاری است که در یک دم یا بازدم ادا می‌شود. هجا در زبان فارسی به سه نوع تقسیم می‌شود که هر کدام نمودارهای مختلف دارند و عبارتند از:

۱. هجای کوتاه: (U)؛ ۲. هجای بلند: (-)؛ ۳. هجای کشیده: (L).

بررسی تطبیقی نظام عروضی در زبان‌های فارسی و انگلیسی

در شعر انگلیسی، مبنای وزن بر شدت و ضعف هجاها قرار دارد؛ بنابراین هجاها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. تکیه‌دار: (/)؛ ۲. بی‌تکیه: (U).

۲-۴. تعریف تطبیقی رکن عروضی در زبان‌های فارسی و انگلیسی

در عروض فارسی برای سنجیدن وزن شعر از ارکان یا افاعیل عروضی استفاده می‌شود. هر رکنی از ترکیب چند هجا ساخته می‌شود. افاعیل عروضی میزان شعرند و مانند میزان‌های صرفی در ساختمان آن‌ها کلمه فعل به کار رفته است؛ مثل فعلون، مفاعیل، فعل و... ارکان بر دو قسم‌اند: رکن‌های اصلی و رکن‌های فرعی. رکن‌های اصلی هشت رکن هستند که به سه دسته سه‌هجایی، چهارهجایی و پنج‌هجایی تقسیم می‌شوند. رکن‌های فرعی با تغییر رکن‌های اصلی به دست می‌آید و با عنوان زحافات شناخته می‌شوند (رک: ماهیار، ۱۳۷۳: ۱۶-۱۷).

در سوییۀ دیگر زبانی این پژوهش یعنی عروض انگلیسی اصطلاح Foot «ترکیب یک تکیه قوی با تکیه‌های ضعیف مرتبط، که واحدهای وزنی تکرار شونده یک مصراع را تشکیل می‌دهند. هجای دارای تکیه قوی به اختصار «تکیه‌بر» و هجاهای دارای تکیه ضعیف، هجای «سبک» - یا عموماً هجای «بی‌تکیه» نامیده می‌شوند» (ایبرمز و چفری گالت، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

۲-۵. ارکان عروضی و انواع آن در شعر فارسی و انگلیسی

مشهورترین و پراستعمال‌ترین ارکان عروض فارسی ۲۰ رکن است که در جدول شماره ۱ مشخص شده‌اند:

جدول ۱. ارکان عروضی در شعر فارسی

ردیف	نوع	نماد	رکن عروضی
۱	یک هجایی	-	فع
۲	دو هجایی	- U	فعل فعلن فاع

<p>فعلن فاعلن* فعولن* مفعولن مفعول</p>	<p>UU- -U- --U --- U--</p>	سه هجایی	۳
<p>فاعلاتن* فاعلات فعلاتن فعلات مفاعیلن* مفاعیل مفاعلن مستفعلن* مستفعل مفتعلن</p>	<p>--U- U-U- --UU U-UU ---U U--U -U-U -U-- UU-- -UU-</p>	چهار هجایی	۴
<p>مفاعلتن* متفاعلن*</p>	<p>-UU-U -U-UU</p>	پنج هجایی	۵

رکن‌های اصلی عروض فارسی با علامت (*) مشخص شده است. در شعر انگلیسی، مصراع‌ها به تعدادی واحدهای اختصاصی تقسیم و هر کدام یک رکن (پایه) نامیده می‌شوند که شامل ترکیبی مخصوص از هجاهای تکیه‌دار و سبک است؛ بنابراین یک مصراع از شعر موزون انگلیسی به وسیلهٔ الگویی از تکیه (صدا) و تعداد رکن‌ها مشخص می‌شود. در این مفهوم وزن مصراع موزون انگلیسی هم ضربی و هم کمی (امتدادی) است. رایج‌ترین انواع رکن‌های شعر در انگلیسی به شرح زیر است:

۱. آیامبیک یا رکن دو هجایی ضرب انجام (Iambic): یک هجای بی‌تکیه که یک هجای تکیه‌بر به دنبال آن می‌آید؛ برای نمونه مصراع زیر از الکساندر پوپ (Alexander Pope: ۱۶۸۸-۱۷۴۴ م.):

To wake | the soul | by ten | der strokes | of art.
 U / U / U / U / U /

بررسی تطبیقی نظام عروضی در زبان‌های فارسی و انگلیسی

روح را با سکنه‌های لطیف هنر بیدار کنید.

۲. تروکی یا رکن دوهجایی ضرب‌آغاز (Trochaic): یک هجای تکیه‌بر که یک هجای سبک به دنبال آن می‌آید؛ برای نمونه:

Life is | but an | empty | dream.
/ U / U / U /

زندگی یک رویای پوچ است.

۳. داکتیل یا رکن سه‌هجایی ضرب‌آغاز (Dactylic): یک هجای تکیه‌بر که دو هجای سبک به دنبال آن می‌آید؛ برای نمونه:

Hickory | dickory | dock.
/ UU / UU /

اسکله هریکوری.

۴. آنپستیک یا رکن سه هجایی ضرب‌انجام (Anapestic): دو هجای سبک که یک هجای تکیه‌بر به دنبال آن می‌آید؛ برای نمونه:

And the clean | ones are sel | dom so co | mical (Quinn, ۲۰۰۶: ۲۶۰).
U U / U U / U U / U U

و موارد تمیز به ندرت خنده‌دار است.

با توجه به این‌که در رکن‌های دوهجایی ضرب انجام و سه‌هجایی ضرب انجام، تکیه قوی (هجای تکیه‌دار) در پایان مصراع‌ها قرار می‌گیرد «وزن منتهی به هجای قوی یا وزن خیزان» (rising meter) و رکن‌های دو هجایی ضرب آغاز و سه هجایی ضرب آغاز که در آن‌ها تکیه قوی در آغاز هجاها قرار می‌گیرد، «وزن منتهی به هجای سبک یا وزن افتان» (falling meter) نامیده می‌شوند. دو رکن دیگر در انگلیسی فقط گه‌گاهی به جای رکن‌های رایج ظاهر می‌شوند، که عبارت‌اند از:

۵. اسپاندیک یا رکن دوکوبه (Spondaic): رکنی که دارای دو هجای متوالی با تکیه‌های قوی تقریباً یکسان است؛ مانند دو رکن آغازین این مصراع اثر رابرت برانینگ (Robert Browning, ۱۸۱۲-۱۸۸۹ م.):

Good strong | think stu | pe fy | ing in | cense smoke.
/ / / / U / U / U /

در دود عود به خوبی فکر می‌کنم.

۶. پیرهیک یا رکن دوناکوب (Pyrrhic): رکنی که از دو هجای متوالی با تکیه‌های ضعیف تقریباً یکسان تشکیل شده‌است؛ مانند رکن‌های دوم و چهارم این مصراع از دون ژوان اثر لرد بایرون (Lord Byron: ۱۷۸۸-۱۸۲۴ م.):

My way | is to | be gin | with the | be gin ning.
/ U U U U / U U U / U

ممکن است راه این باشد که از ابتدا شروع شود.

برخی از عروض‌شناسان وجود رکن ساکن واقعی را ناممکن می‌دانند و دلیل آنان این است که همیشه ضرب وزنی غالب، یک تکیه قوی‌تر را بر یکی از دو هجا قرار می‌دهد؛ مثلاً در نمونه بالا رکن‌ها از نوع آی‌میک است (رک: ای‌رمز و چفری گالت، ۱۳۹۴: ۲۴۶-۲۴۵).

دیگر رکن‌های موزون (که در شعرهای کمی و به ندرت یافت می‌شوند) عبارت‌اند از: ۷. «امفیبِراک (Amphibrach): رکنی موزون که عبارت از یک هجای تکیه‌دار بین دو هجای بی تکیه است؛ برای نمونه واژه. در شعرهای کمی عبارت از یک هجای بلند بین دو هجای کوتاه می‌باشد. در نظم کلاسیک به ندرت به کار می‌رود، اما در انگلیسی ممکن است در ترکیب دو رکن استفاده شود.

۸. امفیمِسر (Amphimacer): رکن موزون یونانی که با نام رکن cretic نیز شناخته می‌شود و عبارت از یک هجای کوتاه بین دو هجای بلند است؛ در شعر انگلیسی عبارت از یک هجای بی تکیه بین دو هجای تکیه‌دار می‌باشد که در شعرهای انگلیسی به ندرت به کار می‌رود؛ برای نمونه شعر «بهار» (Spring) اثر ویلیام بلیک (William Blake: ۱۷۵۷-۱۸۲۷ م.):

Sound the flute! | Now it's mute; | Birds de light | Day and night (Baldick, ۲۰۰۱: ۸-۹).

/ U / / U / / U / / U /

صدای فلوت! اکنون بی صداست؛ پرندگان شب و روز لذت می‌برند.

۹. «کورایمب (Choriamb) یا کورایمبوس (Choriambus): در انگلیسی عبارت از وزنی است که با ترکیب شدن یک تروکی و یک آی‌مب داخل یک رکن چهار هجایی (دو هجای تکیه‌دار که با دو هجای بی تکیه تحت فشارند) ساخته می‌شود» (Cuddon, ۲۰۱۳:)

بررسی تطبیقی نظام عروضی در زبان‌های فارسی و انگلیسی

۱۲۲). تعداد ارکان عروضی در شعر انگلیسی برحسب تعداد هجا و الگوی مصوّر آنها در جدول شماره ۴ طبقه‌بندی شده‌اند:

جدول ۲. ارکان عروضی در شعر انگلیسی

R	Syllable	Name of Foot	Adjective From	patterns	Example
۱	۲-syllables	Imba* Trochee* spondee Pyrrhic	Iambic Trochaic Spondaic Pyrrhic	/U U/ // UU	again pity barroom with the
۲	۳-syllables	Dactyl* Anapest* Amphibrach Amphimacer	Dactylic Anapestic - -	/UU //U U/U /U/	desperate intercept confession bowing down
۳	۴-syllables	Choriambus	-	/UU/	hullaballo

(v. Perrine, ۲۰۱۸: ۹۰۴ and Quinn, ۲۰۰۶: ۱۶۹)

رکن‌های اصلی عروض انگلیسی با علامت (*) مشخص شده‌اند.

۲-۶. رکن‌ها یا پایه‌های عروضی در شعر فارسی و انگلیسی

از دیگر نکات در عروض فارسی تقسیم‌بندی ابیات به رکن‌ها یا پایه‌های عروضی است که در جدول شماره ۳ ارائه شده‌اند:

جدول ۳. رکن‌ها یا پایه‌های عروضی در شعر فارسی

نام	تعداد رکن
مثنی	دو رکن
مربع	چهار رکن
مسدس	شش رکن
مشمّن	هشت رکن

همان‌طور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌کنیم در زبان انگلیسی رکن‌ها به سه دسته دوهجایی، سههجایی و به‌ندرت چهارهجایی تقسیم می‌شوند از این رو به رکن‌های

دوهجایی *duple metre* یا وزن دوهجایی و به رکن‌های سه‌هجایی *triple metre* یا وزن سه‌هجایی نیز می‌گویند (۱۵۵: ۲۰۰۱، V. Baldick). در شعر انگلیسی مصراع‌های موزون نیز بر اساس تعداد رکن‌های تشکیل‌دهنده آن مشخص می‌شوند که در جدول شماره ۷ مشخص شده‌اند:

جدول ۴. رکن‌ها یا پایه‌های عروضی در شعر انگلیسی

Foot	Meter
One foot	monometer
Two feet	dimeter
Three feet	trimeter
Four feet	tetrameter
Five feet	Pentameter
Six feet	Hexameter
Seven feet	Heptameter
Eight feet	Octameter

۲-۷. وزن‌های عروضی در شعر فارسی و انگلیسی

وزن‌های عروضی در فارسی از نظر ترکیب پایه‌ها به سه گروه تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

الف. وزن‌های همپایه یا متفق‌الارکان (هرگاه رکن‌های وزن عروضی از گروه واحدی باشند)؛ ب. وزن‌های متناوب‌الارکان (هرگاه رکن‌ها و پایه‌های هر مصراع به ترتیب تکرار شوند)؛ پ. وزن‌های مختلف‌الارکان (وزنی است که در آن رکن‌ها و پایه‌های مختلف به کار می‌روند) (رک: فضیلت، ۱۳۷۸: ۳۴-۳۳). این وزن‌ها ۱۹ موردند که در جدول شماره ۲ مشخص شده‌اند:

جدول ۵. وزن‌های عروضی در شعر فارسی

متفق‌الارکان	متناوب‌الارکان	مختلف‌الارکان
فاعلاتن رمل	مستفعلن مفعولات منسرح	مستفعلن مستفعلن مفعولات سریع
مستفعلن رجز	مفعولات مستفعلن مقتضب	فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن خفیف
مفاعیلن هزج	مستفعلن فاعلاتن مجث	مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن قریب
مفاعیلن فاعلن مقارِب	مفاعیلن فاعلاتن مضارع	فاعلاتن جدید (غریب)
مفاعیلن فاعلن متدارک	فاعلاتن فاعلن مدید	فاعلاتن مستفعلن

مشاکل (اخیر) فاعلاتن مفاعیلن مفاعیلن	بسیط مستغفلن فاعلن طویل فعولن مفاعیلن	کامل مفاعلن وافر مفاعلن
---	--	----------------------------

با توجه به جدول رکن‌های عروضی در شعر انگلیسی (جدول ۵) و شش رکن (Pyrrhic و Spondee, Anapest, Dactyl, Trochee, iamb) که بسیار بیشتر از سه رکن (Choriamb و Amphimacer, Amphibrach) در اشعار به کار می‌روند امکان 8×6 بحر در شعر انگلیسی وجود دارد که تعداد محدودی از آن‌ها استفاده می‌شوند (رک: داد، ۱۳۹۲: ۵۲۵-۵۲۴)؛ بنابراین باید گفت «یک مصراع شعر که در آن هجای تکیه‌بر به دنبال یک هجای سبک (بی‌تکیه) می‌آید یعنی چهار هجا دارد trochaic tetrameter نامیده می‌شود؛ برای نمونه بیت زیر از ویستن هیو آودن (Wystan Hugh Auden):

۱۹۰۷-۱۹۷۳ م.):

Earth receive an honored guest.

/ U / U / U /

زمین مهمانی محترم را دریافت می‌کند.

یا مصراعی که در آن یک هجای تکیه‌بر به دنبال دو هجای بی‌تکیه می‌آید یعنی سه هجا دارد dactylic trimeter نامیده می‌شود؛ برای نمونه:

Half a league, half a league, half a league onwards.

/ U U / U U / U U / U

نیم لیگ، نیم لیگ، نیم لیگ به بعد.

در پایان این که رایج‌ترین وزن در نظم انگلیسی آیمبیک پنج‌پایه است. آیمبیک پنج‌پایه بی‌قافیه شعر سپید یا منشور (Blank Verse) نیز نامیده می‌شود، این وزن در نمایش‌نامه‌های ویلیام شکسپیر (William Shakespeare: ۱۶۱۶-۱۵۶۴ م.) و بهشت گمشده (Paradise Lost) جان میلتون (John Milton: ۱۶۷۴-۱۶۰۷ م.) یافت می‌شود. شاعران انگلیسی معمولاً وزن شعر خود و حتی یک مصراع را تغییر می‌دهند؛ برای نمونه در غزل زیر از کول پورتر (Cole Porter: ۱۹۶۴-۱۸۹۱ م.):

Even educated fleas do it (Quinn, ۲۰۰۶: ۲۶۱).

/ U / U / U / / /

حتی کک‌های تحصیل کرده آن را انجام می‌دهند.

در علم عروض تغییر و دگرگونی‌هایی را که در اجزای اصلی وزن شعر به وجود می‌آید، زحاف (شاخه) می‌نامند؛ به عبارت دیگر «تنوعات وزنی با تغییر در پایه‌های هر یک از بحور اصلی حاصل می‌شود که به این تغییرات [در اصطلاح تخصصی عروض] زحاف یا زحافات می‌گویند، بحری که پایه‌های اصلی در آن حاضر باشد، بحر سالم و آن‌که پایه‌های اصلی تغییر کرده باشد، بحر مزاحف نامیده می‌شود» (داد، ۱۳۹۲: ۵۲۳). علی‌حیدری در مقاله زحافات عروضی تابع نظمی دقیق (۱۳۹۴: ۶۹) مهم‌ترین و پرکاربردترین زحافات عروض فارسی را در شبه جدولی ذکر کرده است که خوانندگان می‌توانند برای اطلاعات بیشتر به آن مقاله رجوع کنند.

در عروض انگلیسی اصطلاحاتی برای بحر سالم و مزاحف به کار رفته است که عبارت‌اند از:

۱. اصطلاح Acatalectic «به سطری اطلاق می‌شود که از نظر ارکان دارای تعداد هجای سالم (کامل) و بدون کم و کسری باشد» (Cuddon, ۲۰۱۳: ۲۰۱) که معادل با بحر سالم در عروض فارسی است.

۲. اصطلاح Catalectic یا Catalexis «به سطری اطلاق می‌شود که از پایه آخر آن هجا یا هجاهایی حذف شده باشد. اغلب در نظم‌های تروکی و داکتیل برای جلوگیری از یکنواختی انجام می‌شود» (Ibid.: ۱۰۷). معادل زحاف کاستنی یا حذف در عروض فارسی هستند.

۳. اصطلاح Hypercatalectic (که با نام‌های دیگری از قبیل Hypermetrical, Extrametrical و Redundant نیز شناخته می‌شود) «به سطری اطلاق می‌شود که یک هجا اضافه داشته باشد یا فزونی هجاها بیش از طول طبیعی سطر باشد» (Baldick, ۱۱۹: ۲۰۱). معادل زحاف افزودنی در عروض فارسی است؛ برای نمونه «در شعر هنر و هنرمند (Art and Artists) سروده ویلیام بلیک سطر اول دارای کاتالکتیک، سطر سوم دارای آکاتالکتیک و سطر چهارم دارای هیپرکاتالکتیک می‌باشد:

When Sr Joshua Reynolds died

All Nature was degraded;

Tee Kigg rr p p a æar iaat t he uu eeua aaæ

And all his Pictures Faded (Cuddon, ۲۰۱۳: ۵-۶).

وقتی آقای جوشوا رینالد درگذشت

همه طبیعت تخریب شده بود

پادشاه اشک در گوش ملکه ریخت

و تمام تصاویر او کمرنگ شد.

۲-۹. اختیارات شاعری (ضرورت‌های وزنی) در زبان‌های فارسی و انگلیسی

ضرورت‌های وزنی عبارت از اختیارات و اصولی است که شاعر را قادر می‌سازد تا طرح قافیه یا وزن بیت یک شعر را حفظ کند یا تأکیدی ویژه بر کلمات خاصی داشته باشد؛ به عبارت دیگر «در شعر انگلیسی چون تکرار یکنواخت پایه‌ها موجب مکانیکی شدن وزن شعر می‌شود، چند مکانیسم جهت اجتناب از این یکنواختی و برای ایجاد دگرگونی و تنوع (Variation) در وزن شعر در اختیار شاعر قرار دارد» (داد، ۱۳۹۲: ۵۲۵). این دگرگونی‌ها عبارت‌اند از:

۱. «جایگزینی (Substitution) در نظم، جانشینی یک نوع رکن موزون با رکن دیگری را گویند. معمولاً به‌عنوان دگرگونی و تنوع عمدی به‌منظور ایجاد یک آهنگ تأثیرگذار از صدا و مفهوم استفاده می‌شود. یکی از رایج‌ترین اشکال جانشینی در نظم انگلیسی قرارگرفتن یک تروکی در مقابل یک آیمب در آغاز یک مصراع است» (Cuddon, ۲۰۱۳: ۶۹۲). قابل تطبیق با اختیار ابدال در عروض فارسی که در آن «شاعر مختار است به جای فعالیت در رکن اول مصراع، فعالیت‌تن بیاورد» (شمیسا، ۱۳۶۹: ۴۵)؛ به عبارت دیگر اختیار ابدال به کار بردن یک هجای بلند (-) به جای دو هجای کوتاه (UU) است.

۲. «وارونگی (Inversion) به نوعی از جایگزینی اعمال می‌شود که به‌موجب آن یک رکن جایگزین رکن دیگری می‌شود که در آن موقعیت و جایگاه هجاهای تکیه‌بر و بی‌تکیه (یا کشیده و کوتاه) کاملاً معکوس می‌شود: شایع‌ترین نوع وارونگی در شعر انگلیسی زمانی است که رکن‌ها عموماً آیمبیک است، اما در نخستین پایه سطر بعد با تروکی، که رکنی دو هجایی و هجای نخست آن تکیه‌بر است، آغاز می‌شوند (Baldick, ۱۲۹: ۲۰۰۱). قابل تطبیق با اختیار قلب، در عروض فارسی «هجای کوتاه به اضافه هجای بلند (U + -) معادل هجای بلند به اضافه هجای کوتاه (U+ -) است؛ به عبارت

دیگر شاعر می‌تواند در مواردی جای هجای کوتاه و بلند را تغییر دهد که آن را «قلب» می‌گویند» (فضیلت، ۱۳۷۸: ۳۰).

۳. «وقتی سطر پایانی شعر موزون با یک هجای بدون تکیه تمام شود، دارای پایان مؤنث (Feminine ending) نامیده می‌شود، برای نمونه در سطر تروکی منظم. در آیمیک پنج پایه، پایان مؤنث شامل افزودن (Subtraction) یک هجاست؛ برای نمونه در سطر معروف ویلیام شکسپیر:

To be, or not to be; that is the question (Baldick, ۲۰۰۱: ۹۵).

بودن یا نبودن، مسئله این است.

همچنین «زمانی که سطر پایانی شعر موزون با یک هجای تکیه‌دار تمام شود، دارای پایان مذکر (Masculine ending) است؛ برای نمونه در سطر آیمیک مرتب زیر اثر امیلی برونته (Emily Bronte: ۱۸۱۸-۱۸۴۸ م.):

And who can fight against despair?

چه کسی می‌تواند با ناامیدی مبارزه کند؟

پایان مذکر همچنین در شعر تروکی رایج است، جایی که هجای انتهایی بدون تکیه مورد نظر در الگوی منظم به‌طور مکرر آمده است» (Baldick, ۲۰۰۱: ۱۴۷-۱۴۸).

۲-۱۰. تقطیع عروضی در زبان‌های فارسی و انگلیسی

اکنون که با توصیف نظام عروضی در دو زبان فارسی و انگلیسی آشنا شدیم باید بتوانیم مطابق با علم عروض در این دو زبان ابیات را تقطیع کرده و رکن، بحر، زحافات و اختیارات شاعری اشعار را مشخص کنیم. ابتدا تعریف تقطیع در دو زبان فارسی و انگلیسی: تقطیع در اصطلاح عروض فارسی «عبارت است از برابر کردن هجاهای یک بیت با هجاهای افاعیل بحری که بیت در آن بحر و وزن سروده شده است» (ماهیار، ۱۳۷۳: ۱۷).

تقطیع (Scansion) در اصطلاح عروض انگلیسی «روش توصیف یک شعر به‌وسیله تجزیه و تحلیل وزن و قافیه مصراع‌ها است. رایج‌ترین شکل از تقطیع جداسازی رکن یک شعر موزون به هجاهای تکیه‌بر و بی‌تکیه است. هجای تکیه‌بر با میله (/) یا خط تیره (-) و هجای بی‌تکیه با (~) یا (x) نشان داده می‌شود. تقطیع همچنین به یک مکث یا

بررسی تطبیقی نظام عروضی در زبان‌های فارسی و انگلیسی

درنگ در مصراع توجه دارد، که با دو خط عمودی (||) مشخص و طرح قافیۀ آن با حروف کوچک **a, b, c** و غیره مشخص می‌شود (Quinn, ۲۰۰۶: ۳۷۵). اکنون برای واضح‌تر شدن مسئله، ابیاتی از اشعار فارسی و انگلیسی را تقطیع می‌کنیم:

عمریست تا من در طلب هر روز گامی می‌زنم دست شفاعت هر زمان در نیک‌نامی می‌زنم
(حافظ، ۱۳۵۹ / ۱: ۳۲۲)

جدول ۶. تقطیع عروضی بیت فارسی

مصراع اول	عُم. ریس. تا	مَن. دَر. ط. ب	هَر. روز. گا	می. می. ز. نَم
علامت هجا	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -
پایه یا رکن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
مصراع دوم	دَس. ت. ش. فا	عَت. هَر. ز. مان	دَر. نیک. نا	می. می. ز. نَم
علامت هجا	- UU -	- U - -	- U - -	- U - -
پایه یا رکن	مفتعلن*	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن

* هجای دوم مصراع دوم اشباع است که دارای اختیار شاعری است و آن را مفتعلن نمی‌دانیم و همان مستفعلن است (وزن: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن // بحر: رجز مَثْمَن سالم).

Tis hard to say || if greater want of skill

Appear in writing || or in judging ill (Quinn, ۲۰۰۶: ۳۷۶).

گفتن این که مهارت بیشتری می‌خواهید سخت است
در نوشتن یا قضاوت در مورد بیماری ظاهر می‌شود.

جدول ۷. تقطیع عروضی بیت انگلیسی

Line One	Tis hard	to say	If grea	ter want	of skill
Syllable	U /	U /	U /	U /	U /
Foot	Imba	Imba	Imba	Imba	Imba
Line Two	Appear	in writ	ing or	in jodg	ing ill
Syllable	U /	U /	U /	U /	U /
Foot	Imba	Imba	Imba	Imba	Imba

با توجه به تقطیع، این شعر از پنج رکن Iambic تشکیل شده‌است، که در عروض

انگلیسی با نام آی‌مبیک پنج‌پایه یا Iambic Pentameter شناخته می‌شود.

۳. نتیجه گیری

در این جستار به بررسی تطبیقی نظام عروضی در زبان‌های فارسی و انگلیسی پرداخته شد و مشخص شد که وزن شعر در هر زبان با نظام و مختصات آوایی همان زبان ارتباط تنگاتنگی دارد. وزن شعر فارسی از نوع «کمی امتدادی» است که این نوع وزن بر پایه تعداد هجاها و کوتاهی و بلندی آن‌ها در دو مصراع شکل می‌گیرد، در حالی که وزن شعر انگلیسی از نوع «ضربی امتدادی» و بر مبنای توزیع هجاهای قوی (تکیه‌بر) و سبک (بی تکیه) شکل گرفته است. بر مبنای وزن، ارکان، محور و زحافات عروضی در فارسی بیش از ۶۰۰ وزن می‌توان ساخت در حالی که در عروض انگلیسی بر همین مبنا حدود ۴۸ وزن وجود دارد که از این تعداد نیز برخی استفاده شده‌اند. در هر دو زبان از علایم مشترکی برای تقطیع اشعار استفاده می‌شود با این تفاوت که در شعر فارسی (ـ) نشان دهنده هجای بلند و در شعر انگلیسی نشان دهنده هجای قوی یا تکیه‌بر و نشانه (U) در شعر فارسی، هجای کوتاه و در شعر انگلیسی نشانه هجای سبک یا بدون تکیه است و نیز نشان (L) که در شعر فارسی نشان دهنده هجای کشیده می‌باشد. محور عروضی در شعر فارسی با عنوان بحر سالم و مزاحف (کاستنی و افزودنی) و در شعر انگلیسی با مفاهیم Acatalectic (بحر سالم)، Catalectic (بحر مزاحف کاستنی) و Hypercatalectic (بحر مزاحف افزودنی) شناخته می‌شوند که قابلیت تطبیق با یکدیگر را دارند. اختیارات شاعری (ضرورت‌های وزنی) نیز در هر دو دیدگاه برای ایجاد دگرگونی در وزن شعر در اختیار شاعران قرار دارد که دو اصطلاح Substitution و Inversion در عروض انگلیسی به ترتیب معادل با قاعده ابدال و قلب در عروض فارسی می‌باشند. از سویی دیگر، در عروض انگلیسی تقطیع به یک مکث یا درنگ در میانه مصراع توجه دارد، در حالی که در عروض فارسی محل ظهور درنگ، در وسط دو مصراع بیت و بیشتر در میان مصراع‌هایی است که وزن دوری دارند و در پایان این‌که اوزان شعر فارسی بسیار خوش‌آهنگ‌تر، موزون‌تر و طبقه‌بندی آن‌ها منظم‌تر از اوزان شعر انگلیسی است.

الف. کتاب‌های فارسی

۱. ایبیرمز. ام. اچ؛ گالت هرهم، جفری. (۱۳۹۴). فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ترجمه سعید سبزیان، رهنما، تهران، چاپ دوم.
۳. حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد. (۱۳۵۹). دیوان، به تصحیح پرویز ناتل خانلری، جلد اول، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳. داد، سیما. (۱۳۹۲). فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ ششم، تهران: مروارید.
۴. شاه‌حسینی، ناصرالدین. (۱۳۶۸). شناخت شعر عروض و قافیه، چاپ دوم، تهران: هما.
۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). موسیقی شعر، چاپ دهم، تهران: آگه.
۶. شمیسا، سیروس. (۱۳۶۹). آشنایی با عروض و قافیه، چاپ پنجم، تهران: فردوس.
۷. فتوحی رودمعدجی، محمود. (۱۳۸۶). بلاغت تصویر، چاپ اول، تهران: سخن.
۸. فضیلت، محمود. (۱۳۷۸). آهنگ شعر فارسی (وزن، قافیه و ردیف)، چاپ اول، تهران: سمت.

۹. کریمی مطهر، جان‌الله. (۱۳۸۶). تئوری ادبیات (به زبان روسی)، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

۱۰. ماهیار، عباس. (۱۳۷۳). عروض فارسی شیوه‌ای نو برای آموزش عروض و قافیه، چاپ اول، تهران: قطره.

۱۱. میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت. (۱۳۷۶). واژه‌نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن، چاپ دوم، تهران: کتاب مهناز.
۱۲. ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۷). وزن شعر فارسی، چاپ دوم، تهران: توس.

ب. مقالات فارسی

۱۳. حیدری، علی. (۱۳۹۴). «زحافات عروضی تابع نظمی دقیق»، فنون ادبی، سال هفتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۲)، صص ۷۲-۶۵.

۱۴. سپه‌وند، عزت‌الله. (۱۳۹۱). «بلاغت تطبیقی (در حوزه فارسی و انگلیسی)»، استاد رهنما احمد تمیم‌داری، رساله برای دریافت درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی: تهران.

۱۵. صادقی سهل آباد، زینب؛ جزسیدمحمدکریم، ملیحه. (۱۳۹۴). «بررسی و توصیف نظام عروضی در زبان‌های روسی و فارسی»، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۴، شماره ۲، صص ۸۷-۹۸.

۱۶. ضیامحمدی، لیلا؛ طیب‌زاده، امید. (۱۳۹۰). «بررسی وزن اشعار عامیانه فارسی براساس نظریه وزنی»، ادب پژوهشی، شماره ۱۶، صص ۵۹-۷۹.

۱۷. قافله‌باشی، اسماعیل. (۱۳۹۰). «بررسی و تحقیق در زحاف خیب بحر متدارک و کاربرد آن در شعر فارسی»، فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، سال دوم، دوره جدید، شماره چهارم، صص ۱۴۸-۱۵۹.

۱۸. قهرمانی‌مقبل، علی‌اصغر. (۱۳۹۰). «واحد وزن در شعر عربی و فارسی»، ادبیات تطبیقی، ۱ / ۲ (پیاپی ۳)، صص ۴۲-۶۵.

پ. کتاب‌های لاتین

۱۹. Baldick, C. (۲۰۰۱). *The concise Oxford Dictionary of Literary terms* (۲th Ed.), New York: Oxford University Press.

۲۰. Barton, E. & Hudson, G. (۱۹۹۷). *A contemporary Guide to Literary terms*, Boston: Houghton Mifflin Company.

۲۱. Childs, P. & Fowler, R. (۲۰۰۶). *The Routledge Dictionary of Literary terms* (۳th Ed.), New York: Routledge.

۲۲. Cuddon, J. A. (۲۰۱۳). *A Dictionary Literary terms and Literary theory* (۵th Ed.). New York: Penguin Books.

۲۳. Perrine. (۲۰۱۸). *Literature Structure, Sound and Sense* (۱۸th Ed.), Boston: Cengage Learning.

۲۴. Quinn, E. (۲۰۰۶). *A Dictionary of literary and Thematic terms* (۲th Ed.), New York: Chechmark Books.